

اختلاف دوباره عراق و کویت

باصدور حکم دیوان عالی فدرال عراق برای لغو معاهده دوجانبه سال ۲۰۱۲ با کویت، آبره خورعبدالله بار دیگر به کانون تنش بین عراق و کویت تبدیل شده است. این اختلاف در عین حال که در ادعاهای متعارض حاکمیتی و رقابت بر سر منافع ژئوپلیتیک و اقتصادی ریشه دارد، بازتابی از کشمکش گسترده مخالفان و موافقان این توافق در عراق است. این اختلاف همچنین توسعه منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌ویژه بر پروژه «بندر بزرگ فاو» و «جاده توسعه عراق» تأثیر می‌گذارد که هدف آن قرار دادن عراق در جایگاه یک قطب لجستیک است که خلیج‌فارس را به اروپا متصل می‌کند. از دید عراقی‌ها بنسدر «مبارک‌الکبیر» کویت دسترسی دریایی عراق را محدود و حیات پروژه‌های آنها را تهدید می‌کند اما مقامات کویت اصرار دارند که این بندر در راستای تکمیل ارتباطات تجاری منطقه‌ای و نه تضعیف آن عمل می‌کند. اختلاف بر سر آبره خورعبدالله بر پیچیدگی‌های تعیین مرز و معاهدات پس از مناقشه و همچنین چگونگی تبدیل اختلافات فنی حقوقی به مسائل ژئوپلیتیک تأکید می‌کند. با توجه به پیچیدگی‌های موجود و ماهیت بسیار حساس و سیاسی شده این اختلاف از منظر داخلی، به‌ویژه برای عراق، ممکن است حل آن بر یک مبنای دوجانبه کاری دشوار باشد. اینجاست که نهادهای حقوقی بین‌المللی می‌توانند به عنوان داوران بی‌طرف عمل کنند. حکم دیوان عالی فدرال عراق در سال ۲۰۲۳ که معاهده دوجانبه را باطل اعلام کرد، مبتنی بر ماهیت معاهده نبود، بلکه صرفاً بر اساس ملاحظات شکلی بود. این ابطال به دلیل تخلفات شکلی بود که معاهده را از ابتدا باطل می‌کند و عراق تحت حقوق بین‌الملل ملزم به رعایت آن نیست. تصویب موافقتنامه مغایر با ماده ۶۱ قانون اساسی عراق بود که تصویب معاهدات بین‌المللی را منوط به کسب اکثریت دوسوم آرای پارلمان می‌کند. قانون مصوب ۱۹۷۹ شامل این الزام نبود و از آنجا که قانون اساسی بر قوانین عادی ارجحیت دارد، قانون خورعبدالله که با اکثریت ساده تصویب شده بود، از نظر قانون اساسی فاقد اعتبار است. ماده ۴۶ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات از این حکم حمایت می‌کند. چندین عامل در مورد این حکم سؤال برانگیخت. دیوان عالی در سال‌های اخیر تعدادی تصمیم جنجالی صادر کرده که دارای انگیزه‌های سیاسی بوده است. دامنه گسترده مجادلات به تغییر رهبری در این دادگاه منجر شد. زمانبندی این تصمیم نیز پس از رد پرونده‌ای مشابه در سال ۲۰۱۴، سؤالانی را برانگیخت. دیوان در حکم خود مسروری تاریخی بر منطقه و ادعاهای حاکمیتی را گنجانده که برای حل یک مسئله شکلی ضروری نبود. بخشی از دولت عراق، موافقتنامه ۲۰۱۲ را مصالحه بر حاکمیت خود می‌داند، در حالی که کویت این توافق را یک معاهده بین‌المللی مشروع و الزام‌آور می‌داند. هواداران تصمیم دادگاه آن را تأکیدی بر رعایت تشریفات قانون اساسی می‌دانند، در حالی که منتقدان استدلال می‌کنند که این تصمیم همکاری منطقه‌ای عراق را پیچیده می‌کند. السودانی، نخست‌وزیر و عبداللطیف رشید، رئیس‌جمهور عراق در خواست‌های تجدیدنظری را با هدف لغو حکم دیوان عالی فدرال ارائه کرده‌اند. رئیس دیوان استدلال کرد که ابطال حکم، پیامدهای حقوقی و دیپلماتیک قابل توجهی دارد. السودانی از پارلمان خواسته است تا معاهده را مجدداً تصویب کند. اما نزدیک به ۲۰ نماینده پارلمان طوماری را امضا کرده‌اند که خواستار لغو رسمی موافقتنامه دریایی ۲۰۱۲ است و آن را «امتیازی تحقیرآمیز» توصیف می‌کنند. کویت اصرار دارد که موافقتنامه ۲۰۱۲ یک معاهده بین‌المللی معتبر و الزام‌آور است که مطابق با ماده ۱۰۲ منشور در سازمان ملل به ثبت رسیده است. اگر پارلمان عراق از تصویب این موافقتنامه خودداری کند، باید یک راه‌حل بادوام و عملی پیدا کرد که بر پایه تعامل مجدد استوار و بر انصاف، منافع متقابل اقتصادی و احترام به هر دوی حقوق بین‌الملل و قانون اساسی مبتنی باشد. اگر عراق و کویت تصمیم بگیرند اختلاف را از طریق دیوان بین‌المللی دادگستری حل کنند، پرونده «تعیین حدود دریایی و مسائل سرزمینی بین قطر و بحرین» یک رویه بسیار مرتبط برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات دریایی در منطقه خلیج (فارس) است که نشان می‌دهد اختلافات دیرینه خلیج‌فارس را می‌توان از طریق دادرسی بین‌المللی حل کرد. دیوان بین‌المللی حقوق دریاها نیز با توجه به صلاحیت ویژه و تخصص آن در اختلافات مرزی دریایی و کشتیرانی، می‌تواند محفل مناسبی برای حل اختلاف باشد. در نهایت، اختلاف خورعبدالله چیزی بیش از یک مجادله فنی بر سر حدود دریایی است. عراق و کویت با انتخاب گفت‌وگو و دادرسی حقوقی، می‌توانند یک اختلاف مناقشه‌برانگیز را به نمادی از دیپلماسی منطقه‌ای و نظم حقوقی تبدیل کنند و در عین حال احترام و توجه خود را به حقوق بین‌الملل و نهادهای حقوقی بین‌المللی نشان دهند.



هشام حشام

استاد دانشگاه آمریکایی بیروت

توافق آتش‌بس غزه تصریح می‌کند که صلح پایدار، صلحی است که در آن هم فلسطینی‌ها و هم اسرائیلی‌ها بتوانند ذیل آن پیشرفت کنند؛ از حقوق اساسی خود برخوردار باشند، امنیت خود را تضمین کنند و کرامت خود را حفظ کنند. این توافق تأکید می‌کند که فصل جدیدی در منطقه گشوده شده است؛ فصلی که در آن اختلافات در آینده می‌تواند از طریق دیپلماسی به جای درگیری حل شود. مشکل این توافق این است که ریشه‌های خصومت‌ها بین اسرائیل و فلسطینی‌ها را به حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ نسبت می‌دهد و این واقعیت را نادیده می‌گیرد که این درگیری در واقع با برنامه بازل ۱۸۹۷ آغاز شد. این سند نتیجه اولین کنگره صهیونیستی بود که در بازل سونیس برگزار شد و خواستار تأسیس یک کشور یهودی در فلسطین شد که در آن زمان ۶۰۰ هزار نفر جمعیت داشت که ۹۵ درصد آن عرب بودند. توافقی که هفته گذشته در شرم‌الشیخ منعقد شد، اساساً ناقص است زیرا به رویکرد صلح با زور متکی است؛ بنابراین بسیار بعید است که بتواند درگیری‌ای را که ۱۲۸ سال ادامه داشته و علل اساسی آن در آگاهی جمعی فلسطینی‌ها، اعراب و مسلمانان در سراسر جهان باقی مانده است، حل کند. این مقاله استدلال می‌کند که این طرح صلح کارساز نخواهد بود و توسعه‌طلبی ارضی اسرائیل فراتر از غزه و کرانه باختری ادامه خواهد یافت.

▼ جنون قدرت

اسرائیل مدت‌هاست که به دنبال دستیابی به اهداف سیاسی از طریق قدرت نظامی است. زیو جابوتینسکی، بنیانگذار صهیونیسم تجدیدنظرطلب، معتقد بود که بدون خشونت و غصب، بازگشت به «سرزمین موعود» یا ایجاد یک کشور یهودی خالص امکان‌پذیر نیست. مناخیم بگین، که پیش از نخست‌وزیری در سال ۱۹۷۷، عضو برجسته سازمان تروریستی ایرگون بود، گفت که «ایجاد اسرائیل بزرگ فقط با سرکوب دیگران قابل دستیابی است، زیرا صحبت از مشارکت و همزیستی پوچ است.» در اوایل این ماه، «انجمن خاورمیانه» که طرفدار اسرائیل است، نوشت: «صلح واقعی تنها پس از دستیابی اسرائیل به پیروزی آشکار... پس از شکست کامل دشمنانش حاصل خواهد شد.» آوئر آوراها، مأمور سابق موساد، ادعان کرده که اسرائیل دائماً در جست‌وجوی دشمنان جدید است. به گفته وی، تصمیم‌گیرندگان اسرائیلی صلح را نه به‌عنوان یک هدف، بلکه به‌عنوان یک استراتژی برای گسترش بیشتر ارضی می‌دانند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در سخنرانی خود در کنست گفت که اسرائیل با زور به پیروزی رسیده است. او همچنین گفت که ایالات متحده به اسرائیل سلاح داده است تا بتواند دیدگاه خود از صلح را بر خاورمیانه تحمیل کند. ترامپ از طریق این اظهارات، معنای صلح در منطقه را دوباره تعریف می‌کند و آن را مترادف با سلطه و ظلم به جای عدالت و ارزش‌ها قرار می‌دهد.

بلافاصله پس از اجرای آتش‌بس در غزه، ارتش اسرائیل یک بند مخفی ادعایی را فعال کرد که به آن اجازه می‌دهد در صورت تشخیص تهدید از سوی مبارزان حماس، دوباره دست به سلاح ببرد. در نتیجه، ده‌ها فلسطینی تا به حال کشته شده‌اند. به‌طور واضح، هر دو طرف یکدیگر را به نقض آتش‌بس متهم کرده‌اند، اما این حادثه نشان‌دهنده تمایل اسرائیل برای دستیابی به اهداف مورد نظر خود از طریق زور به جای ابزارهای دیپلماتیک است و هدف اسرائیل را برای تغییر شکل منطقه بر اساس برتری نظامی قاطع خود آشکار می‌کند. در واقع، بنیامین نتانیاو،

عکس: Reuters

شکست صلح اجباری در ف

بعید است طرح صلح ترامپ بتواند مناقشه‌ای به عمر بیش از یک ق



متهم کرده و تأکید کرد که در این مورد اقدام قاطعی انجام خواهد داد. با این حال، حماس می‌گوید تجهیزات لازم برای جمع‌آوری آواری که اجساد در زیر آن گرفتار شده‌اند را ندارد. در واقع، اجساد هزاران فلسطینی نیز هنوز در زیر آوار گرفتار هستند زیرا اسرائیل ماشین‌آلات لازم برای بازیابی آنها را ناپود کرده است. ترکیه پیشنهاد داده که ۸۰ متخصص جمع‌آوری آوار را برای کمک به بازیابی بقایای اجساد اعزام کند، اما نتایج این پیشنهاد را رد کرده و اظهار داشت که حماس می‌تواند این کار را به تنهایی انجام دهد. در پاسخ، وزیر امور خارجه مصر گفت که حماس به مفاد توافق غزه متعهد است و برای تکمیل مأموریت خود به زمان بیشتری نیاز دارد.

▼ زندگی در انکار

موضع اسرائیل در مورد صلح با فلسطینیان واضح است: این کشور قاطعانه ایده تشکیل کشور فلسطین را رد می‌کند، با وجود اینکه این موضوع در قلب درگیری گسترده‌تر آن با جهان عرب قرار دارد. ملک عبدالله، پادشاه اردن، نسبت به آینده‌ای تاریک برای خاورمیانه بدون تأسیس کشور فلسطین هشدار داده است. به همین ترتیب، عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، صلح در منطقه را منوط به تشکیل کشور فلسطین دانسته است. برخی از اسرائیلی‌ها نیز به اهمیت موضوع تشکیل کشور

نخست‌وزیر اسرائیل و حامیان، هویت یهودی مدرن را بر این اساس که زمین یک حق تاریخی غیرقابل تفکیک است و جامعه یهودی دائماً در معرض تهدید است و نیاز به حفاظت پیشگیرانه دارد، دوباره تعریف می‌کنند. از سرگیری حملات هوایی اسرائیل همچنین شباهت‌هایی بین وضعیت غزه و لبنان را بر جسته می‌کند. هفته گذشته، اسرائیل پیشنهاد جوزف عون، رئیس‌جمهور لبنان، برای مذاکره جهت پایان دادن به درگیری میان لبنان و اسرائیل را نادیده گرفت. از آن زمان تاکنون، حملات هوایی اسرائیل به لبنان تشدید شده است و این حملات پیام روشنی ارسال می‌کند مبنی بر اینکه اسرائیل قصد دارد با استفاده از زور، واقعیت را در عمل انجام‌شده و در میدان محقق کند و به چیزی دست یابد که آتش‌بس امضا شده در نوامبر گذشته تاکنون به آن دست نیافته است. هدف اسرائیل آشکار است: مجبور کردن لبنان به پایبندی به شرایط مدنظر اسرائیل و تکمیل روند خلع سلاح حزب‌الله، حتی بدون توافق در مورد تعیین مرز.

غیبت نتانیاو در اجلاس شرم‌الشیخ، تمایل او را برای فاصله گرفتن از هرگونه تعهدی برای پایان دادن به جنگ یا آغاز یک روند سیاسی با فلسطینی‌ها آشکار کرد. مسلماً حضور نتانیاو در شرم‌الشیخ، پایگاه راست‌گرای او را خشمگین می‌کرد. او حماس را به نقض توافق آتش‌بس با عدم بازگرداندن تمام اجساد ربوده‌شدگان اسرائیلی

GPF | GEOPOLITICAL FUTURES

الزامات ترامپ در قبال روسیه

مسئله مهم این است که خط کنترل در کجای مرز روسیه و اوکراین کشیده خواهد شد

شرقی خواهد بود.

نشست برنامه‌ریزی شده در مجارستان بین دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در ۲۱ اکتبر به تعویق افتاد. این تعویق نشان‌دهنده مکثی حساب‌شده در تعامل واشنگتن با مسکو در بحبوحه تشدید تنش‌های جهانی و اولویت‌های داخلی در آمریکا است. یک مقام ارشد کاخ سفید به رویتز گفته که «هیچ برنامه‌ای برای دیدار رئیس‌جمهور ترامپ با رئیس‌جمهور پوتین در آینده نزدیک وجود ندارد»، پس از آنکه «تماس سازنده» بین مارکو روبیو، وزیر امور خارجه، و سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، نتوانست اختلافات در مورد اوکراین و معماری امنیتی اروپا را کاهش دهد، ترامپ در گفت‌وگو با خبرنگاران گفت که نمی‌خواهد یک «ملاقات بی‌نتیجه» داشته باشد. این اظهارات نشان می‌دهد او پیش از تعهد به انجام یک دیدار دیگر با



کامران بخاری

استاد امنیت بین‌الملل
دانشگاه جورج تاون

چند ماه دیگر، چهارمین سالگرد تهاجم تمام‌عیار روسیه به اوکراین است؛ جنگی که امنیت اروپا را از نو تعریف کرده و محدودیت‌های اعمال قدرت روسیه را آشکار ساخته است. اگرچه این درگیری هنوز حل و فصل نشده است، اما منطق استراتژیک طرف‌های درگیر نشان می‌دهد که نمی‌تواند با شدت فعلی خود به‌طور نامحدود ادامه یابد. هر زمان که درگیری پایان یابد، احتمالاً خط کنترل موقت ایجاد شده و اوکراینی تقسیم‌شده باقی می‌ماند که به عنوان یک کشور متحد غرب، لنگر تعادل جدید در اروپای

پوتین که در معرض دید عموم قرار دارد، به دنبال به دست آوردن اهرم دیپلماتیک و کسب اعتبار سیاسی در داخل آمریکا است. در همین حال، کریل دمیتریف، فرستاده پوتین، ادعا کرد که «فراهم کردن مقدمات برای یک دیدار دیگر ادامه دارد». این موضع نیز نشان می‌دهد که تلاش کرملین برای ایجاد تهم برابر با آمریکا ادامه دارد و مسکوسعی می‌کند سرعت گفت‌وگوها را به واشنگتن دیکته کند.

پس از اعطای آزادی عمل قابل توجه به روسیه در ۱۰ ماه گذشته، ترامپ دیگر نمی‌تواند در برابر پوتین ضعیف به نظر برسد. میزان محبوبیت رئیس‌جمهور ایالات متحده به زیر ۵۰ درصد کاهش یافته است. که نشان‌دهنده هزینه سیاسی ناکارآمدی در صحنه بین‌المللی است. با توجه به اینکه تا انتخابات میان‌دوره‌ای کمی بیش از یک سال دیگر باقی مانده است، جدول زمانی برای نشان دادن اهرم دیپلماتیک در حال کوتاه شدن است و هرگونه تأخیری می‌تواند به‌طور بالقوه به اعتبار ترامپ در داخل و خارج از کشور آسیب برساند. حتی اگر توافقی محقق نشود، ترامپ باید قاطعانه عمل کند تا نشان دهد که قوانین تعامل را خودش کنترل می‌کند و با این تصور که مسکو از تمایل او به دیپلماسی سوءاستفاده می‌کند، مقابله کند. اقدام واشنگتن در روز چهارشنبه برای تحریم شرکت‌های روسنت و لوک اویل، بزرگترین شرکت‌های نفتی